

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

تجلی عرفان و تصوف در بقعه شیخ امین الدین جبرائیل دارالارشاد اردبیل*

بهزاد بهلولی

کارشناس ارشد باستان شناسی دانشگاه آزاد تهران- مرکزی

دکتر محمود طاووسی

استاد فرهنگ و هنر و زبان‌های باستانی ایران دانشگاه تربیت مدرس

دکتر جواد شکاری نیری

استادیار باستان‌شناسی دانشگاه امام خمینی قزوین

حسن یوسفی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

عرفان از پایه‌های اساسی جهان بینی اسلامی است که در جهات مختلف زندگانی بشری نمود یافته است. از جمله مباحثی که عرفان و تصوف، پیوند عمیقی با آن داشته هنر اسلامی است. از مهمترین شاخه‌های هنر اسلامی، معماری اسلامی است که توانایی جلوه‌دهی عرفان و تصوف را به نحو عالی داشته است. در هنر معماری اسلامی، ابتدا مساجد که تعداد آنها به کثرت در میان سرزمین‌های اسلامی دیده می‌شود و سپس بناهای آرامگاهی توانسته‌اند عرفان و تصوف را که ریشه در عقاید راسخ و باورهای دینی مسلمانان دارد به منصه ظهور برسانند. بناهای آرامگاهی بزرگان دینی و شیوخ و سادات بزرگ که پیشگامان عرفان و تصوف در عصر خود بوده‌اند، به وسیله مریدان و طرفداران خود که از حاکمان و یا عامه مردم بوده‌اند ساخته شده است. در ساختار این بناها از اشکال عناصر اصلی حیات بشری الهام گرفته شده و در تزیینات آنها از متون قرآنی و احادیث با خطوط اسلامی استفاده شده که همین موجب فراهم آوردن فضای معنوی و عرفانی در آنها شده است. در این نوشتار، زمینه‌های عرفان و تصوف در دارالارشاد اردبیل و شخصیت عرفانی شیخ امین الدین جبرائیل و کشف تأثیر و تأثرات عرفان و حکمت اسلامی در ساختار معماری و عناصر جنبی آرامگاه این عارف و نیز

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۶/۲۶

behzad.bohlooli@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۱

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

اشاعه تشیع و عرفان و تصوف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است؛ لذا در این مقاله سوال این است که در این راستا بقعه شیخ امین الدین تا چه حد در تجلی عرفان و تصوف اسلامی زمان خود و پس از آن مداخلیت داشته است؟ روش تحقیق در این نوشته تحلیلی-تاریخی، اسنادی و میدانی و ابزار کار، کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: عرفان، تصوف، معماری، هنر، اسلامی، شیخ امین الدین جبرائیل.

۱- مقدمه

عرفان یکی از پایه‌های اصلی جهانبینی اسلامی و در واقع راهکاری علمی و نظری در سلوک الی الله است. در فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی ابن عربی، عرفان یعنی شناختن-شناختن حق تعالی-خداشناسی-در اصطلاح مراد، شناسایی حق است و نام علمی است در علوم الهی که موضوع شناخت آن حق و اسماء و صفات اوست و بالجمله راه و روشی که اهل الله برای شناسایی حق انتخاب کرده‌اند، عرفان می‌نامند (سعیدی، ۱۳۸۷: ۶۴۱). عرفان عقیده دارند که برای رسیدن به حق و حقیقت بایستی مراحل را طی کرد، تا نفس بتواند از حق و حقیقت بر طبق استعداد خود، آگاهی حاصل کند و تفاوت آنها با حکما این است که تنها گرد استعداد عقلی نمی‌گردند؛ بلکه مبنای کار آنها بر شهود و کشف است (سجادی، ۱۳۶۲: ۳۳۱). با توجه به اینکه در این مقوله آثار و مفاهیم عرفانی به همراه تصوف و صوفی‌گری است و اینکه این دو مبحث حقیقی در مطالعات مورد نظر به صورت در آمیختگی به کار رفته، لذا ترجیحاً به تفکیک معنای تصوف و صوفی‌گری نیز روشن می‌شود. تصوف نیز مانند عرفان سلوک الی الله به صورت عملی است. در «کشاف اصطلاحات الفنون» آمده است: «اما تصوف در اصطلاح اهل عرفان، پاکیزه کردن دل است از محبت ما به سوی الله و آراسته کردن ظاهر است از حیث عمل و اعتقاد به امور، و دور بودن از منہیات و مواظبت نمودن به فرموده رسول خدا و این جماعت، متصوفه محقاند (کیسر، ۱۳۸۸: ۱۶۱). عرفان، خورشیدی است که از صبح آفرینش انسان در آسمان فطرت او وسیله خالق فطرت و به واسطه انسان‌های کامل برآمده و بر حیات او پرتو افکنده است (همان:

۱۹۳). اما درباره تصوف می‌توان از نقطه آغاز پرسید و نخستین کسی که به عنوان صوفی، مشهور شده و این لقب را گرفته، ابوهاشم صوفی (متوفی ۱۵۰ ه.ق) است که معاصر با ابراهیم ادهم بوده است؛ بنابراین، از قرن دوم هجری قمری، نام صوفی در کشورهای اسلامی پیدا شده و نظر فقیهان، متشرعان، حکیمان و فیلسوفان را به خود جلب کرده است (همان: ۱۶۱). در نتیجه صرف نظر از معانی و مصادیق مختلف دیگر، در حالت کلی‌تر چنین می‌توان گفت که عرفان و تصوف، جریانی در عالم اسلام است که با زهد آغاز شده و با تکیه بر بعد باطنی اسلام در ابعاد نظری و عملی خود به تکامل رسیده و ادبیات عارفانه و صوفیانه را در جهان اسلام پدید آورده است.

در اقصی نقاط جهان اسلام شخصیت‌ها و مکان‌هایی در همین رابطه پدید آمده‌اند که شایستگی تحقیق و پژوهش در خصوص آنها وجود دارد. در ساختار مکان‌های مرتبط با تصوف و عرفان که عمدتاً شامل مساجد و بقاع تاریخی است، حتی‌المقدور از فضاسازی‌های عارفانه و عوامل سوق دهنده آن فضاها به معنویت‌گرایی بهره برده شده است و با تحقیق پیرامون سرمنشأها و عوامل به کار رفته و دخیل در آنها می‌توان به چرایی اهمیت آنها و علت جذب انسان‌ها در دوران گذشته و حاضر پی برد.

در این مقوله نیز بقعه شیخ امین‌الدین جبرائیل که داخل باغی تاریخی قرار گرفته، به لحاظ عرفانی مورد تحلیل قرار گرفته و دلایل اهمیت آن از دیرباز بررسی شده است.

۱-۱- شیوه تحقیق

در این پژوهش، پس از تبیین مفاهیم عرفان و تصوف، زمینه‌های اجتماعی پیدایی آنها در دارالارشاد اردبیل که مهمترین علل آن حضور صفویان بوده است، با توجه به مستندات و متون کهن مورد بررسی قرار گرفته و با معرفی شخصیت شیخ امین‌الدین جبرائیل، جزء به جزء فضاها و ساختار معماری و عناصر تزئینی بقعه که مجموعه آنها منتج به تجلی عرفان و تصوف شده، مورد تجزیه و تحلیل

قرار گرفته است. برای بررسی تمامی داده‌ها از روش تحلیلی، تاریخی، اسنادی و میدانی و کتابخانه‌ای و مراجعه به متون مختلف و تهیه تصاویر استفاده شده است.

۱-۲- بیان مسأله

شهر اردبیل از دیر باز به دارالارشاد معروف بوده و این خود نشانگر حاکمیت معنویت‌گرایی و اندیشه‌های اسلامی و وجود شخصیت‌های بزرگ دینی در این سرزمین بوده است. در پی وجود این زمینه‌ها، پدیده‌های معماری اسلامی متناسب با تفکرات اسلامی و جلوه‌گر فضای بهشت برین که با استفاده از آیات قرآنی مرتبط با وصف بهشت است، ایجاد شده است. بقعه شیخ امین‌الدین جبرائیل از نمونه‌های بارز این آثار است. با توجه به اینکه تاکنون مقوله‌ای در زمینه روشن نمودن نقش این اثر معنوی در اشاعه عرفان و تصوف و گسترش تشیع صورت نگرفته است، هدف ما در این تحقیق میان رشته‌ای بررسی ابعاد گوناگون تفسیر تأثیرات اندیشه‌های عرفانی در ساختار معماری، تزینات و کتیبه‌های به کار رفته در بقعه شیخ امین‌الدین جبرائیل با توجه به پیشینه درخشان عرفان و تصوف در بقعه شیخ امین‌الدین جبرائیل دارالارشاد اردبیل و رسیدن به فرضیات مورد نظر می باشد.

۱-۳- فرضیات تحقیق

- ۱- بقعه شیخ امین‌الدین با فضای روحانی ایجاد شده سبب اشاعه عرفان، نه تنها در آذربایجان و بین آذربایجانیان بلکه تأثیر گذار در تمام ایران بوده است.
- ۲- شیخ امین‌الدین و تبلیغات عرفانی ارائه شده در بقعه یکی از عوامل و پایه گذار تشیع در دوره صفویه و گسترش آن در ایران اسلامی بوده است.

۱-۴- پیشینه پژوهش

در سالیان گذشته، پژوهش‌هایی در خصوص بقعه شیخ امین‌الدین جبرائیل از حیث ساختار معماری و عناصر تزینتی و هنرهای موجود در آن و تاریخ آن بنا صورت گرفته است؛ به عنوان مثال حبیب شهبازی شیران در سال ۱۳۸۴ در مطالعات خود در کتابی با عنوان «بررسی معماری و سازه‌ای باغ کلخوران اردبیل» به تفکیک، ساختار بناهای موجود در داخل باغ کلخوران را به لحاظ معماری و سازه‌ای مورد تحلیل قرار داده است و علی اکبر علایی ۱۳۶۳ در کتاب «مجموعه

مقالات معماری ایران به قلم ۳۳ پژوهشگر ایرانی» تحت عنوان «بقعه شیخ جبرائیل» به بررسی ویژگی معماری و عناصر تزئینی این آرامگاه پرداخته است. ملکه گلغانی زاده اصل و حسن یوسفی نیز در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان «هنر نمایی شاه محمد اصفهانی در دیوار نگاره های بقعه شیخ امین الدین جبرائیل کلخوران اردبیل خاستگاه دولت صفوی» به بررسی موارد خاصی مثل دیوار نگاره های موجود در این آرامگاه پرداخته شده است و تاکنون هیچ گونه تحقیق و پژوهشی در زمینه جنبه های عرفانی و تصوف بقعه شیخ امین الدین جبرائیل به عمل نیامده و همین مسأله ما را به کندوکاو درباره ترغیب این سوال می کند که بقعه شیخ امین الدین جبرائیل تا چه حد در تجلی عرفان و تصوف اسلامی زمان خود و پس از آن مدخلیت داشته است؟

۲- بحث

۲-۱- عرفان و تصوف در دارالارشاد اردبیل

شهر اردبیل با قدمتی چندین هزار ساله، قبل از ظهور اسلام نیز به عنوان کرسی آذربایجان و مرکز موبدان و بنا به گزارش برخی از مورخان کوه سبلان معبد عابدان روزگار خویش و محل تولد و مقر زرتشت پیامبر بوده و سابق های درخشان در فرهنگ دینی و معنوی داشته است که اکنون نیز آثار باستانی و قبور موبدان آن زمان باقی مانده و برخی از مناطق و روستاها به نام آنان شناخته می شود (مولایی، ۱۳۸۸: ۷۵). شاید بتوان گفت که شرایط مناسب طبیعی و اقلیمی اردبیل زمینه ای عالی و تأثیرگذار برای رشد تقوا و استعدادهای عرفانی و دل های معنوی بوده است.

در کتاب فتوح البلدان، اردبیل در زمان حمله اعراب مقرر زبان آذربایجان معرفی شده است (بلاذری، ۱۳۴۶: ۱۶۷-۱۶۳). به گفته حمدالله مستوفی «بعد از تسلط اعراب بر این شهر آن را جزء جنات سبعة می دانستند و معتقد بودند که خضر و الیاس در کنار رود ارس با یکدیگر ملاقات کرده اند» (موسوی اردبیلی نجفی، ۱۳۴۷: ۲۷). در سده اول و دوم اسلامی برخی از صحابه مانند حذیفه بن

یمان و امامزادگانی چون امامزاده صالح و امامزاده صدرالدین و امامزاده سید محمد اعرابی و دیگر بزرگواران به قدوم خویش این شهر را منور کردند و زمینه‌های معرفت و معنویت را به وجود آوردند. (مولایی، پیشین) اردبیل در اوایل اسلام مرکز ساجیان و در قرن چهارم هجری قرارگاه لشکریان بود و حصار با چهار دروازه و یک دژ داشت و مسجد جامع شهر در چهار سوق بازار، بالای یک بلندی قرار داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۵).

علی‌رغم اینکه اردبیل تا قرن ششم هجری مهمترین شهر منطقه آذربایجان بود و مرکز فرهنگ و علما و عرفا و صوفیان بوده، لکن در نیمه اول سده هفتم هجری مورد تهاجم گرجیان و مغولان قرار گرفت و با اینکه مرکزیت منطقه به مراغه و سپس به تبریز انتقال داده شد؛ اما این امر سبب از بین رفتن موقعیت علمی و معنوی اردبیل نشد و با ظهور شیخ صفی‌الدین (۷۳۵-۶۵۰ ه ق) تحولات جدیدی در عرصه عرفان و تصوف پدید آمد. شیخ صفی‌الدین که والاترین شخصیت عرفانی اردبیل بوده، در توسعه سلسله تصوف خود بسیار کوشید و در بسیاری از نواحی دیگر نفوذ به هم رسانید.

اردبیل در این زمان مرکز نهضت فراگیر صفویان شد و در عصر تیمور گورکانی نیز به سبب وجود آرامگاه شیخ صفی و خانقاه فعال او به دارالارشاد شهرت یافت و در دوره صفویان با عنوان دارالامان در میان شهرهای ایران اعتباری ویژه یافت (گلمغانی‌زاده‌اصل و یوسفی، ۱۳۸۵: ۲۳۰). زیرا بنا به دستور شاه عباس در اواخر ماه شعبان سال ۱۰۱۴ که «چون شهر اردبیل از زمان امیر تیمور گورکانی دارالامان بوده است؛ همچنان باید که هیچکس مزاحم دیگری نشود؛ مگر اینکه حقی شرعی نزد وی داشته باشد، و در این صورت نیز باید که با مدارا و سازش احقاق حق کند» (موسوی اردبیلی نجفی، ۱۳۴۷: ۳۰).

از این ناحیه دین‌شناسان متعدد پدید آمدند- در قرن هفتم هجری، جمال‌الدین یوسف، مؤلف «الانوارالاعمال الابرار» در قرن هشتم، ابن بزاز، مؤلف «صفوةالصفاء» و ابی جعفر محمدبن موسی، مؤلف «مداوات النفوس»، در قرن نهم کمال‌الدین حسین الهی، مؤلف «تاج المناقب فی فضایل الائمة» و ملا احمد

مقدس، مؤلف «زبدةالبيان و حديقه الشيعه»، در قرن یازدهم میرزا محمد، مؤلف «ریاض العارفین» و ... (ابرار، ۱۳۷۵: ۱۴).

اما از مهمترین اهداف این مقاله معرفی یکی از چهره‌های مؤثر تاریخ ایران و آرامگاه او است که نوادگانش در تاریخ ایران اثرات مختلف تزینی و خط نویسی را متأثر از تقدس و درون گرایی را در آن ایجاد نموده‌اند و موجب برجسته شدن مقبره این شخصیت در بین بناهای عصر صفوی شده است. این اثر کم نظیر هنری که مرتبط با عرفان و تصوف اسلامی است، بقعه شیخ امین‌الدین جبرائیل؛ آستان پدر شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که در ساختار معماری و عناصر تزینی آنها معماران و هنرمندان معتقد آن روزگار اندیشه‌های مبتنی بر اندیشه‌های عرفانی و معنویت گرایی را به طرز بسیار زیبا با تأثیرات روحانی بر حالات انسان به اجرا گذاشته‌اند.

۲-۲- کلخوران اردبیل زادگاه و خاستگاه صفویان

بقعه شیخ امین‌الدین جبرائیل در محلی بنام کلخوران در شمال شرقی شهر اردبیل واقع است که در گذشته به صورت دهکده‌ای مجزا بوده؛ اما امروزه به علت گسترش محدوده شهری اردبیل، یکی از محلات آن شهر محسوب می‌شود. دهکده کلخوران خاستگاه صفویان بوده است و به علت دارا بودن آب و هوای مطبوع و باغ‌های فراوان در طی ادوار مختلف همواره مورد توجه دیگران واقع گشته است. دهکده فوق از زمان شیخ صفی‌الدین، وقف خود شیخ صفی و فرزندان او شده است و کسانی که آنجا را وقف کرده‌اند، از فرزندان هلاکوخان مغول بوده‌اند (صفری، ۱۳۷۰: ۲۹۴).

در زمان الجایتو کلخوران، زادگاه شیخ صفی، برای او و اعقابش وقف شد. ینال خاتون که قسمتی از کلخوران (سه دانگ و چهار تسوج) از طرف غازان به او اختصاص یافته بود، در سال ۷۰۵ هـ ق طبق فرمانی قسمتی از این روستا را وقف شیخ صفی و اعقاب او کرد و الجایتوده سال بعد در سال ۷۱۴ هـ ق بقیه این ده (۲ دانگ و یک تسوج) را که جزو اراضی دیوانی بود، وقف شیخ صفی کرد. شیخ صفی‌الدین با رشیدالدین ارتباط داشت و از او احترام زیادی می‌دید. احمد بن رشیدالدین زمانی والی اردبیل بود و رشیدالدین در نامه‌ای به او تأکید کرد که

«جانب رضایت شیخ را مرعی دارد و در خدمت او باشد» (کمبتن، ۱۳۸۲: ۳۵۰). هم‌اکنون در کنار آرامگاه شیخ امین الدین جبرائیل سه مقبره محقر مجزا متعلق به سید حمزه از فرزندان منسوب به امام موسی الکاظم (ع)، سید عوض الخواص بن - فیروز شاه زرین کلاه از تبار صفویان و سید محمد الاعرابی که از تبار صفویان یا عارفان آن دوران بوده قرار دارد.

۲-۳- شخصیت شیخ امین الدین جبرائیل

طبق نوشته‌های کتاب صفوة الصفا نسب خاندان صفویه با بیست واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد و سر منشأ خاندان صفویان که سید فیروز شاه زرین کلاه باشد قبل از اینکه به ایران بیاید، ساکن یمن بوده و به علت حملات و تسخیر آن سرزمین به دست شمس الدوله و فخرالدین تورانشاه بن ایوب در سال ۵۶۹ هجری به ایران آمده و در محلی به نام رنگین ساکن شده‌اند (منجم، ۱۳۶۴: ۲۷). بنابه اشاره کتاب سلسله‌النسب صفویه، رنگین در کنار بیشه گیلان بوده و دارای چراگاه‌های غنی بوده و فیروز شاه به خاطر رمة خود آنجا را انتخاب نموده بود (ابدال زاهدی، ۱۳۴۳: ۱۱). پسر فیروز شاه به اسفرنجان در حوالی اردبیل نقل مکان کرد و نوادگان بعد از او یعنی محمد الحافظ، صلاح الدین رشید، قطب الدین احمد باقی، صالح و شیخ امین الدین جبرائیل، کلخوران را انتخاب کردند و شیخ صفی الدین، فرزند شیخ امین الدین در کلخوران به دنیا آمد (همان: ۱۷-۱۲). شیخ امین الدین بعد از فوت پدرش، صالح، جامه درویش پوشیده و رو به شیراز نهاد و بیست سال آنجا گذراند. در آن شهر بود که به حلقه ارادتمندان خواجه کمال الدین عرب شاه اردبیلی از مشاهیر صوفیه شیراز درآمد. برخی از مورخان عصر صفوی، دلیل ترک زادگاه را از قول مؤلف گمنام تاریخ شاه اسماعیل این گونه می‌نویسند که چون املاک امین الدین جبرائیل در اثر حمله گرجیان، ولو موقتاً، از دست رفته بود، در لباس درویشان رو به شیراز می‌نهد و در آن شهر به حلقه ارادتمندان خواجه کمال الدین عرب شاه اردبیلی در می‌آید. امین الدین پس از بیست سال اقامت در شیراز و اطمینان کامل از رفع خطر گرجیان به کلخوران برمی‌گردد (الشیبی، ۱۳۵۹: ۳۷۰). شیخ امین الدین جبرائیل مرد بخشنده‌ای بود و به

کرم و سخاوت شهرت داشت و با مردم، کمتر ارتباط داشت و همواره خاموش بود (ابن بزّاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۳). او زبان در کام کشیده داشت و با خلق الله کمتر تکلم می نمود (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۱). شیخ جبرائیل با دختر صاحب عصمتی از خاندان جمال باروقی به نام دولتی وصلت کرد و از این وصلت مبارک، شیخ صفی الدین به دنیا آمد (ابن بزّاز اردبیلی، همان) در کتاب «روضات الجنان و جنّات الجنان» در خصوص شخصیت و زهد شیخ امین الدین چنین آمده است: «وی مردی بود در کمال تقوا و ورع، مرید مولی الامام الربانی، خواجه کمال الدین عرب شاه اردبیلی، رحمة الله، که او مردی صاحب قدم و ولی بود و سید امین الدین جبرائیل به زراعت مشغول بوده، ساکن قریه کلخوران بوده و تمولی بوده و سخاوت عالی داشته است.

کریم سلیم فی الکرام سریع العطايا عند کل سؤال مهذب

شیخ امین الدین خلقی را به راه حق تعلیم می داد. چون سی سال از عمر مبارکش گذشت، میل مسافرت کرد، به جانب شیراز در حرکت آمده، همچون درویشی داخل شیراز کردید. زمانی که چشم درویشان فارس به جمال نورانی درویش بزرگی افتاد که لمعان نور خدا در جمال با صفای او لامع بود، سادات فارس با او الفت کردند. چون دانستند که از خانواده گرامی است، او را تکلیف خدایی نمودند و از برای او دختری در میان خود ترتیب نمودند و او را کدخدا ساختند. مدت ده سال در فارس ماند و حق تعالی به او فرزندی داد. اسم پدر خود را بر او گذاشت و میر سید صالح نام نهاد که در آن ایام از جانب والده شیخ امین الدین مکتوبی از ادبیل آمده بود، و او را طلب نموده بود، و نوشته بود که اگر نیایی که دیدار فرزند ارشد ارجمند تو را ببینم، فردای قیامت شکوه او را در پیش جد آن سرور خواهم کرد. پس بنابه نوشته مادر برخاسته از خانه خود رخصت گرفته به جانب اردبیل آمد. مادر را دید. چون مادر به دیدار شریف فرزند مشرف شد گفت: «ای فرزند من خواهم که تو کدخدا شوی و فرزند تو را ببینم» گفت: «در فارس کدخدا شدم و فرزندی دارم». والده اش گفت: «می خواهم من تو را کد خدا کنم» چون خواست حضرت آن بود که نور اسرار شیخ صفی الدین اسحاق از

شرف غیب طلوع کند. سید جبرائیل راضی شد و تزویج زن دیگر به مادر رضا داد و در آن قریه دو جا دختر دیدند یکی را خدیجه نام بود و دیگری را دولتی نام. والده سید جبرائیل با خدای خود به مناجات در آمده نیت کرده که در خواب هر کدام که از غیب اشاره شود از برای فرزند بخواهد. چون در خواب نیت کرده بود اشاره شد که دولتی را بخواهد. چون بیدار شد، دولتی را خواستگاری نمود (کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۲۲۶). شیخ امین‌الدین، پنج پسر و یک دختر داشته است. اسامی پسران او به ترتیب سن عبارتند از: محمد، صلاح‌الدین رشید، اسماعیل، صفی‌الدین اسحق، یعقوب و فخر‌الدین. (ابن بزّاز اردبیلی، همان) وی در سن شش سالگی از عمر شیخ صفی‌الدین به رحمت ایزدی پیوست و جای خود را [در عرفان و تصوف] به شیخ ابوالاسحاق داد.

از مفاد کتیبه‌های در ورودی بقعه می‌توان حدس زد که شخصیت آرمیده در مقبره از مقام والایی برخوردار بوده است. این در دو لنگه که زایران را به محل اصلی آرامگاه یا حرم هدایت می‌کند، اندازه هر لنگه‌اش ۲ متر در ۶۰ سانتیمتر است و با نقوش و اشکال هندسی زیبا و با روش کنده کاری و منبت کاری تزیین شده است. در قسمت‌های بیرونی و در واقع حاشیه درها، مجموعه اشعار با محتوای قدر و منزلت شیخ جبرائیل و تاریخ ساخت بنا و یا احتمالاً خود در چوبی را با استفاده از جمله (بهشت روی زمین) بر روی لنگه راست در که به حساب حروف ابجد ۱۰۳۰ می‌باشد مشخص می‌سازد. این اشعار با خط نستعلیق نوشته شده و قسمت‌هایی از آن نیز قابل خواندن نیست:

لنگه چپ در:

این باب روضه شه دین قطب اولیاست / مفتاح استجابت صد گونه مدعاست

..... /

تصویر شکل‌هاش ز تحریر مانوی ست (یست) / ترتیب قطع‌ها عمل نوح اصفیاست

..... / خورشید بر در کرشم کمترین سهاست

..... / اوج رفیع او ز بها سدره منتهاست

از حسن دلفریب چو رخسار حور عین /

گر کعبه دوم کنمش نام می‌سزد/ کین جایگاه مهبط ارواح انبیاست
کحل الجواهرست غبار درش ز فیض/ وز بهر جان خسته دلان داروی شفاست
جبریل خاکروب درش هست صبح و شام/ عیسی بر آستانه او کمترین گداست
لنگه راست در:

گویا «بهشت روی زمین» است این مقام/ تاریخ سال ساختنش چون خرد بخواست
این روضه‌ای که واثق آثار دولتش/

آرامگاه و منزل و مأوی کیست این/

..... / کز بهر خلق درگاه او قبله دعاست

..... /

قطب کمال و هادی دین شیخ جبرئیل/ شاهی که ابر همت او منبع سخاست

..... / وین بقعه گر توجه او بیند او ضیاست

..... / چندان که چرخ را اثر و مهر را بقاست

..... /

(بهلولی نیری، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۰)

۲-۴- تجلی عرفان و تصوف در آرامگاه شیخ امین‌الدین جبرائیل

از آنجا که صفویه با تشیع شناخته می‌شود و به اعتراف عموم متخصصان فن، شقوق مختلف هنر در عصر آنان به اوج شکوفایی و اعتلای خود رسید، خواه ناخواه «هنر» این دوره ممزوج با تشیع است؛ به ویژه آنکه در بسیاری از مفاهیم هنری از نماد شیعی بهره برده شده است. به عنوان نمونه در آرایه‌های هنر خوشنویسی در کاشی‌کاری‌ها استفاده گسترده از نام مقدس «علی» در کنار اسماء مقدس «الله» و «محمد» ویژگی منحصر به فرد و متمایز این هنرها در مقایسه با دوران پیش از صفویه است (رجبی دوانی، ۱۳۸۸: ۱۱۳). استفاده از این اسماء مقدس الله و علی و محمد به صورت مکمل هم در تمامی نماهای بیرونی آرامگاه و قسمت‌های مختلف با رعایت اصول تقارن گویای این حقیقت است. این اسماء مقدس به خط کوفی بنایی و معقلی و با استفاده از آجر و کاشی به رنگ فیروزه‌ای در سطوح خالی به کار رفته که چشم هر بیننده‌ای را خیره کرده و در مفاهیم خود

غرق می‌کند (تصویر شماره ۲). بر روی زبانه در اتاق اصلی یا حرم به خط ثلث در چندین لوحه: «اللهم صل على النبي و الوصى» «و البتول و السبطین» «و السجاد و الباقر» «و الصادق و الكاظم و» «الرضا و التقی» «و النقی و العسکر». در پشت در ورودی لنگه راست، کلام زیر بر جسته کاری شده است:

لو اجتمع الناس على حب علي بن ابي طالب لما خلق الله النار.^۲

در روی لنگه چپ: اللهم یا مفتاح الابواب افتح (ترابی طباطبایی، ۲۵۳۵: ۲۰۶-۲۰۴) این کلام خود بیانگر اعتقاد راسخ به حضرت علی(ع) و تفکرات شیعی حاکم در آن دوره می‌باشد.

هر حرف قرآنی سه صورت دارد، صورت گفتاری که به گوش می‌رسد، صورت نوشتاری که به چشم می‌آید و صورت اصلی یا روحانی که جایگاه ظهور آن قلب است (نصر، ۱۳۷۹: ۳۶).

در عرفان اسلامی نیز عرفا برای بیان اندیشه خود معمولاً یا به قرآن و حدیث و یا به اقوال صوفیان و احوال آنان استناد کرده‌اند و در تمثیلات خویش نیز از سیرت پیغمبر(ص) و اخبار و قصص انبیاء و ملوک یاری جسته‌اند (محمدی، ۱۳۷۶: ۱۴).

کتیبه بلند اتاق مقبره شیخ امین‌الدین به شکل یک نوار حایل بین تزیینات کاشی و نگاره‌های دیواری در ارتفاع ۱۸۰ سانتیمتری از کف و دور تا دور اتاق مزار ایجاد شده است (تصویر شماره ۳).

این کتیبه گچ‌بری از نظر مفهومی قابل مقایسه با کتیبه آرامگاه شاه اسماعیل اول [واقع در بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیل] است و از آرایه‌های آن نیز متأثر است (گلمغانی‌زاده اصل و یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

کتیبه به خط ثلث و به عرض ۴۱ سانتیمتر و طول پنجاه متر است و نقطه شروع آن از قسمت دوال داخل مزار هشت ضلعی در سمت راست در ورودی (سمت شمالی قبر) آغاز و پس از دور زدن تمامی اضلاع دیوارها در همان نقطه اتاق مقبره به پایان رسیده است.

متن کتیه مشتمل بر بخش‌هایی از سوره فتح و کلام حضرت علی (ع) است که با کتابت علیرضا عباسی، خوشنویس معروف دوره صفوی مزین گشته بدین شرح است:

نصر من الله و فتح [قريب] عليك يا محمد يا علي. قال امير المؤمنين و امام المتقين و يعسوب الدين و قائد الغر المحجلين اسد الله الغالب على بن ابي طالب [...] سلم: يا بن آدم تحمل هم يومك الذي قد اتاك فإنه ان يك من عمرك يات الله فيه برزقك. قال [...] الناس للدنيا عاملان، عامل عمل للدنيا قد شغلته دنيا عن آخرته يخشى على من يخلفه الفقر و يا منه على نفسه فيغنى عمره في منفعة غير، و عامل عمل في الدنيا لما بعدها نجاء الذي له من الدنيا بغير عمل فاحرز الظين معاً، و ملك الدارين جميعاً، فاصبح وجيهاً عند الله لا يسال فيمنعه. قال سلم: انا يعسوب المؤمنين، و المال يعسوب الفجار و منى ذالك ان المؤمنين يتبعوننى، و الفجار يتبعون المال، كما تتبع الخل يعسوبها و هو رئيسها. قال: [...] لكل المرى فى ماله شريكان؛ الوارث، الحوادث (این متن دو بار در کتیه تکرار شده). قال: العفاف زينه الفقر، و اشكر زينه الغنى. قال: يوم العدل على الظالم، اشد من يوم الجور على المظلوم. قال (ع): اتوا معارصى الله فى الخوات، فان الشاهد هو الحاكم. قال السلم: الاستغناء عن العذر من الصدق به. قال عليه و السلم: اقل ما يلزمكم الله ان لاتستعينوا على معاصيه. قال عليه السلم امير المؤمنين (ع): من نظر فى عيب نفسه اشتغل عن عيب غيره، و من رضى يرزق الله لم يحزن على مافات، و من سل سيف البغى قتل به، و من كابد الامور عطب، و من اقتحم الحج غرق، من دخل مداخل السوء اتهم، و من كثر كلامه كثر خطوه، و من كثر خطوه قل حياؤه، و من قل حياؤه قل ورعه، و من قل ورعه مات قلبه، و من مات قلبه دخل النار و من نظر فى نظر فى عيوب الناس فانكرها ثم رضىها لنفسه فذلك الحق بعينه، و القناعه مال لا ينفد، و من اكثر من ذكر الموت رضى فى الدنيا باليسير، و من علم ان كلامه من عمله قل كلامه الا فيها بعينه. قال عليه السلام: لكل امرى فى ماله شريكان؛ الوارث و الحوادث. قال عليه السلام: ما خير بعده النار، و ما شر بشر بعده الجنه، و لكل نعيم دون الجنه محقور، و كل بلاء دون النار عافيه. كتبها على رضا العباسي.

امیر مومنان و امام پرهیزکاران و ملکه دین و رهبر عزیز[.....] شیر پیروز خدا علی بن ابی طالب[....] که درود خدا بر او باد می فرمایند: ای فرزند آدم، اندوه روز نیامده را به روزی که آمده است میاور، زیرا اگر عمر تو باشد، خداوند در آن روز، روزی ات را خواهد داد. فرمود[....] مردم در دنیا دو گونه کار کنند: یکی در دنیا برای دنیا کار می کند و دنیا چنانش به خود مشغول داشته که به آخرتش نمی پردازد و می ترسد که بازماندگانش گرفتار فقر شوند و حال آن که خود از دنیا در امان است. چنین کسی عمر خود را برای سود دیگران تباه می کند، و دیگری در دنیا برای آخرتش کار می کند، پس بهره او از دنیا هیچ رنجی به دستش نمی آید، چنین کسی نصیب خود از دنیا و آخرت فراهم آورده و مالک دو سرای شود. در نزد خدای هم آبرومند است، و هر حاجت که از او خواهد، برآورد. و فرمود: من پیشوای مومنان هستم و ثروت پیشوای تباه کار! مراد این است که مومنان، پیروان من هستند و تباهکاران از پی ثروت می روند؛ همان گونه که زنبوران از پی ملکه خود روند و او رئیس آنهاست. فرمود[....] هر کسی را در مالش دو شریک است؛ یکی وارث و یکی حوادث. و فرمود: پاکدامنی زینت فقر است و شکرگزاری زیور توانگری. و فرمود: روز دادگری بر ستمگر سخت تر است از روز ستم بر ستم دیده. و فرمود: از نافرمانی خدای در نهان جای بترسید؛ زیرا آن که شاهد اعمال است، هم او داوری کند. و فرمود: بی نیازی از عذر آوردن، بهتر از عذر آوردن از روی راستی است. و فرمود: کمترین حقی که خدای سبحان بر عهده اش است، این است که از نعمت هایش در راه نافرمانی اش یاری نخواهی. و فرمود امیرالمؤمنین (ع): هر که به عیب خود نگریست، از نگریستن به عیب دیگران باز ماند، هر که به روزی ای که خدا به او داده خرسند باشد، بر آنچه از دستش رفته، محزون نگردد. هر که تیغ ستم بیرون کشد، سرانجام، خونس به آن بریزد. هر که با کارها پنجه در افکند، هلاک شود. هر که خود را به گرداب ها افکند، غرق گردد. هر که به جاهای ناشایست قدم نهد، متهم شود. هر که سخنش بسیار باشد، خطاهایش بسیار باشد و هر که خطاهایش افزون تر، آزرش کم باشد، پارسایی اش اندک بود و هر که پارسایی اش اندک باشد، قلبش بمیرد و هر که قلبش بمیرد به

آتش دوزخ داخل گردد. هر که به عیب‌های مردم بنگرد و آنها را ناخوش دارد، ولی خود مرتکب آنها گردد، بی‌تردید احمق است. قناعت، ثروتی است پایان‌ناپذیر. هر که فراوان یاد مرگ کند، به اندکی از دنیا راضی باشد و هر که بداند گفتارش همان کردار اوست، در آنچه به کارش نیاید، چیزی نگوید. و فرمود: خیری که پس از آن عذاب آتش باشد، خیر نیست و شری که پس از آن نعیم بهشت بود، شر نیست. هر نعمتی جز نعمت بهشت، حقیر است و هر بلایی، جز عذاب آتش، عافیت است. این کتیبه را علی‌رضا عباسی نوشت (یوسفی و گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۶: ۱۷۸-۱۷۶). در حالت کلی هدف اصلی تمامی عبارات فوق، زدودن غبار غفلت و دلبستگی دنیوی از زندگانی بشری و هدایت پیروان دین مقدس اسلام و بشریت به راه راست و حق است و با توجه به تعلق داشتن بیشتر مطالب کتیبه فوق به فرمایشات حضرت علی(ع)، به طور اخص خصوصیات عمده‌ای که در معانی آنها نهفته، راه‌های تصوف و اصولی است که صوفیان با اتکاء به آنها می‌توانند به اهداف خود دست یابند و در واقع راهکارهای عملی مکتب تصوف در این آیات نشان داده شده است.

به غیر از آثار مکتوب در قسمت‌های مختلف بنا که به طور مستقیم از اندیشه‌های عرفانی و تصوف تأثیر گرفته، در ساختار کلی این مکان مقدس نیز سعی بر آن شده است تا این گونه اندیشه‌ها را با تفسیرات به عمل آمده از جهان باقی و بهشت برین به طور غیر مستقیم به اجرا بگذارند.

ارتباط تفکرات حکمی و نمود آن در عناصر و فضاهای شهری سبب غنی شدن عناصر و فضاها و چند ارزشی شدن معانی آنها می‌گردد (اهری، ۱۳۸۰: ۱۱) زمانی که به آثار معماری و هنرهای پیرامون آن در دوران اسلامی و علی‌الخصوص دوره صفوی نگریسته می‌شود به وضوح به الهام هنرمندان از حکمت و عرفان و اخلاقیات پی‌می‌بریم و با حواس چندگانه می‌توان نیل به وصل احدیت را در کالبد آنها پیدا نمود.

هنر و معماری صفوی جلوه گاه هنر الهی با منشأ آسمانی و اقتدار حکومتی با شیوه تفکر حاکم بر آن می‌باشد، ارتباط بین هنر و دین در اسلام به‌ویژه در هنر

صفوی بیشتر از هر دوره دیگر دیده می‌شود؛ همان‌طور که تشکیل حکومت در اثر چند قرن تلاش و مبارزات سیاسی بود و در واقع از دیدگاه فلسفی نیز توانست با توجه به حکمتی که از زمان خواجه نصیرالدین طوسی بر اثر کوشش‌های سلسله حکما تداوم یافته بود، پیشرفت کند، این نوع حکمت را میرداماد پایه‌گذاری کرد و ملاصدرا آن را در حکمت متعالیه به اوج رسانید. از مشخصه‌های این دستگاه حکمی تبیین عالم مثال یا عالم خیال می‌باشد؛ عالمی که در میانه و برزخ دو عالم ناسوت و ملکوت اعلاست، هنر دوره صفویه بیشتر از این عالم حکایت می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۶۰) همان‌طوری که در دین مقدس اسلام، آب سرچشمه آفرینش معرفی شده است «و جعلنا من الماء کل شیء حی» (قرآن کریم، آیه ۳۰ سوره انبیاء) و یا در صورت تجسم بهشت بر روی زمین «جَنَّات تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...» (قرآن کریم، آیه ۲۵ سوره بقره) ذکر شده است. از ویژگی‌های معماری دوره صفوی نیز حضور آب و گیاه و یا به عبارتی ترکیب باغ با فضای معماری آن یادآور جنت یا بهشت برای مؤمنان باشد (آزاد، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

نکته دیگر در خصوص تجلی عرفان در بنای مورد نظر اینکه این بقعه که در حال حاضر با دیوار و دروازه‌ها محصور است، در گذشته به صورت باغی پر بار بوده که هم‌اکنون نیز آثاری از آن باقی است و آرامگاه شیخ امین الدین در وسط باغ قرار دارد و از حوض آب نیز در قسمت روبروی آرامگاه و در جهت شمالی آن استفاده شده است. در این آرامگاه طبق روال رایج آن روزگار از اشکال هندسی مانند مربع، هشت ضلعی، مستطیل و دایره و ترکیب بندی‌های ساده و ایوانهای مختلف و کاشی‌کاری‌ها بر فراز آنها و تقارن در تمامی قسمت‌ها بهره برده شده و در ساختمان آن از سلسله مراتب ورودی که ابتدا ایوان و بعد از آن فضای ورودی و سپس حرم یا اتاق اصلی مقبره در زیر گنبد بزرگ که تصویری از طاق عرش است به اجرا در آمده و در مسیر گفته شده از عناصر تزینی و کتیبه‌های مناسب‌دار استفاده شده تا زایر با دیدن آنها در طی آن مسیر به آمادگی کامل روحی و معنوی برسد (بهلولی نیری، ۱۳۹۰: ۷۹-۶۷). و به نحو مطلوب‌تری زیارت را به‌جا آورد (تصویر شماره ۱).

هشت ضلعی، بازتاب عرش الهی است که بر دوش هشت فرشته جای گرفته (رضوی، ۱۳۸۵، ۲۹) و حرم یا اتاق اصلی مقبره که به صورت هشت ضلعی ساخته شده و درهایی که در جهات مختلف آن تعبیه شده از این قاعده مستثنی نیست و می‌تواند اشاره و نشانی از هشت بهشت یا هشت دروازه بهشت باشد.

بهره‌گیری از طاق‌های ضربی و گنبدها و شمشه‌هایی در اندرون آنها چون نشانه‌ای از آسمان و خورشید است؛ خورشید ولایت که با نور حرارت خویش شمع ایمان را در دل بینندگان می‌افروزد؛ انحنای فضاهای چند سطحی و این گونه تشبیهات و اشارات در هنر اسلامی این دوره عالمی پر از رمز و راز ایجاد می‌کند که به نحوی نقش و نگارهای عرشی را به صورت تزیهی ابداع می‌کنند (لطفی صمیمی، ۱۳۸۸: ۳۳۵). وجود طاق‌نماها به نوعی از شکل ظاهری انسان بازتاب دارد و بخش بالایی منحنی آن مانند سر انسان، نشانی از ساحت آسمانی و بخش پایینی آن که از شانه‌هایی چون کوه استوار، شروع می‌شود، نشانی از ساحت جسمانی است. لحظه لحظه نماز، نشانگر ارتباط متقابل انسان با خداست و نقطه اوج این ارتباط به هنگام سجود است که پیشانی، سجاده را لمس می‌کند.

وجود سقف گنبدی مرقد که اصلی‌ترین عنصر معماری بناست، رمز اتحاد آسمان و زمین است؛ بدین گونه که پی و قاعده مستطیل شکل عمارت با زمین مطابقت دارد و قبه کروی با آسمان؛ از این رو از دیر باز، گنبد نمادی از آسمان پنداشته می‌شد و بر این اساس نیز در بنای مقبره شیخ امین‌الدین جبرائیل ساقه بلند گنبد، نگاه را به رأس آن معطوف می‌نماید و متعاقب این حرکت از رأس گنبد است که در یک لحظه ناخود آگاه، نگاه به آسمان و توجه به آن پدیدار می‌گردد؛ از سوی دیگر، موقعیت خاص مزار شیخ که درست در زیر تیزه گنبد قرار دارد، سبب القای محوری نامریی در ذهن زائر شیخ می‌شود که در آن محور قبر شیخ را مستقیماً به صورت عمود به تیزی گنبد وصل می‌کند و این محور نامریی تا اوج آسمانها ادامه دارد (شهبازی شیران، ۱۳۷۴: ۴۶).

تزئینات شمشه‌ای که در قسمت داخلی گنبد به کار رفته نماد مصور شده نور فیزیکی است و در قرآن کریم نیز شمس (خورشید) با واژه هدایت و راهنمایی به

کار رفته است «ثم جعلنا الشمس علیه دلیلاً» (آن گاه خورشید را برای [شناختن] آن سایه، راهنما [ی انسانها] قرار دادیم). (قرآن کریم، آیه ۴۵ سوره فرقان) احتمالاً مفهوم به کار رفتن شمس در این مکان مقدس مرتبط با تذکر حمد و ستایش خداوند قبل از طلوع و غروب خورشید بوده و اشاره بر «و سبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس و قبل الغروب» (قرآن کریم، آیه ۳۹ سوره ق) دارد. قسمت‌های مختلف این بنا عناصر تزینی با استفاده از کاشی کاری‌ها و گچ‌بریهای رنگی و نگاره‌های دیواری با طرح‌های اسلیمی و نقوش پرندگان چون خروس و طاووس و قرقاول و مرغان بهشتی که با رنگ‌های عنابی روشن و نارنجی سیر و قهوه‌ای تذهیب شده است، با نقش مایه و رنگ و بوی تفکرات معنوی مجموعاً یک هدف عرفانی و روحانیت بخشی به آن جایگاه مقدس را دنبال می‌کنند.

سخن آخر اینکه تمامی تفسیرات به عمل آمده از این محیط عرفانی حاکی از اهمیت بالای تهذیب نفس و دوری از دلبستگی دنیوی و تمامی صفات دارای درجه کمال معنوی در آن است که تنها در سایه عرفان اسلامی و مکتب تصوف تجلی یافته و تمامی آثار کتیبه‌ای و غیر کتیبه‌ای در خدمت دو اصل مهم عرفان و تصوف می‌باشد.

۳- نتیجه گیری

پیشینه عرفان و تصوف در دارالارشاد اردبیل، زمینه مناسبی جهت به وجود آمدن شخصیت‌هایی همچون شیخ امین الدین در آن مرز و بوم بوده و طرفداران و مریدان این شخصیت که از طرف حکومت و عامه مردم آن دیار بوده به منظور عرج نهادن به مقام و منزلت والای آن عارف، آرامگاهی در خور شأن او ساخته‌اند. مبانی عرفان و تصوف در آرامگاه شیخ امین الدین جبرائیل به صور مختلف به وسیله هنرمندان خبره زمان خلق شده است. این هنرمندان با بهره‌گیری از مکتوبات دینی و تفاسیر احادیث نبوی در خلق مصور جنت یا بهشت برین جهان آخرت در صورت ظاهری آرامگاه با استفاده از گل و گیاه و آب در فضای پیرامون و حیاط آرامگاه و استفاده از تزینات کاشی کاری، گچ‌بری‌های رنگی،

نگاره‌های دیواری، نقوش موجودات دنیوی و اخروی مثل خروس، طاووس و مرغان بهشتی با رنگ‌بندی‌های روح‌نواز و طرح‌های اسلیمی و مهمتر از این‌ها اجرای گنبدی بزرگ به تقلید از طاق عرش بر بالای اتاق اصلی هشت ضلعی مقبره و از طرفی دیگر استفاده گسترده از نام مقدس علی(ع) در کنار اسماء مقدس الله و محمد در کتیبه‌های نمای سطوح خارجی بنا و کتیبه نواری داخلی و اتاق مقبره که مشتمل بر آیات سوره فتح و فرمایش‌های امیرالمؤمنان حضرت علی(ع) رهبر شیعیان و راهنمای بحق تصوف و سایر کتیبه‌ها و اشعار فارسی در واقع سعی بر این شده تا با تلفیق زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها یک هدف عمده و اصلی و آن هم تبیین عقلانی در تجلی عرفان و روحانیت بخشی بر فضای آن جایگاه مقدس و اشاعه عرفان و تصوف و تشیع نه تنها در منطقه، بلکه در کل ایران اسلامی را دنبال کنند. با توجه به آنچه گفته شد پاسخ سوال ما در اینجا محرز می‌شود که با دیدن بنای بقعه شیخ امین الدین جبرائیل که در آن هنرمندان از اشکال عناصر اصلی حیات بشری الهام گرفته و در تزینات آن از متون قرآنی و احادیث و خطوط اسلامی استفاده کرده‌اند و فضای معنوی و عرفانی به وجود آورده و در واقع تأثیرات عرفان و حکمت اسلامی در ساختار معماری و عناصر جنبی آن کاملاً مشهود شده است، این بنا هم در زمان ایجاد و هم امروزه همواره مورد توجه بوده و در تجلی عرفان و تصوف مدخلیت داشته است.



تصویر شماره ۱: آرامگاه شیخ امین الدین جبرائیل (عکس از نگارنده)



تصویر شماره ۲: کتیبه‌های اسماء مقدس در سطوح بیرونی (عکس از نگارنده)



تصویر شماره ۳: کتیبه نواری اتاق مقبره به خط علیرضا عباسی (عکس از نگارنده)

یادداشت‌ها

۱- به حساب ابجد، ۱۰۳۰.

۲- اگر مردم به خاطر دوستی و محبت علی بن ابیطالب (ع) اجتماع می کردند، خداوند آتش (جهنم)، را خلق نمی کرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، (۱۳۸۹)، ترجمه حسین انصاریان، چاپ دوم، قم: آیین دانش.
۲. آزاد، میترا، (۱۳۸۸)، مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی، آینه فضای فرهنگی ایران در عهد صفویان، مجموعه مقالات نخستین هنرهای همایش شیعی از عهد صفوی تا به امروز، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل، صفحه ۲۲۱.
۳. ابدال زاهدی، شیخ حسین، (۱۳۴۳)، سلسله النسب صفویه، برلین، ایران شهر، ش ۶، صفحات ۱۱-۱۷.
۴. ابرار، منوچهر، (۱۳۷۵)، خطه گل آذین اردبیل، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی معارف تهران.
۵. ابن بزاز اردبیلی، درویش توکلی بن اسماعیل، (۱۳۷۳)، صفوة الصفاء، مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: تابش.
۶. الشیبی، کامل مصطفی، (۱۳۵۹)، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.
۷. اهری، زهرا، (۱۳۸۰)، مکتب اصفهان در شهرسازی، تهران: دانشگاه هنر.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۴۶)، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تصحیح محمد فروزان، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
۹. بهلولی نیری، بهزاد، (۱۳۹۰)، بررسی شیوه های معماری آرامگاهی از دوره ایلخانی تا عصر صفوی در استان اردبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۰. ترابی طباطبایی، سیدجمال الدین، (۲۵۳۵)، آثار باستانی آذربایجان شرقی، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۱. ترکمان، اسکندریگ، (۱۳۵۰)، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح و مقدمه ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
۱۲. حبیبی، سید محسن، رعنا سادات حبیبی، (۱۳۸۷)، صور خیال مکتب شهرسازی اصفهان در نگاره ها، مجله گلستان هنر، سال چهارم، شماره ۴.
۱۳. رجبی دوانی، محمدحسین، (۱۳۸۸)، سهم و نقش دولت صفویه در نشر و رونق فرهنگ و معارف شیعه و اعتلای آن، مجموعه مقالات نخستین هنرهای

- همایش شیعی از عهد صفوی تا به امروز، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل.
۱۴. رضوی، کشور، (۱۳۸۵)، **زمینه سلطنتی شاه عباس در مقبره صفوی شیخ صفی در اردبیل، هنر و معماری صفویه**، به کوشش شیلا کنبی، ترجمه مزدا موحد، تهران: فرهنگستان هنر.
۱۵. سجادی، سید جعفر، (۱۳۶۲)، **فرهنگ تعبیرات عرفانی**، تهران: طهوری.
۱۶. سعیدی، گل بابا، (۱۳۸۷)، **فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی ابن عربی**، چاپ دوم، تهران: زوار.
۱۷. شهبازی شیران، حبیب، (۱۳۸۴)، **بررسی معماری و سازه ای باغ شیخ کلخوران اردبیل**، چاپ اول، اردبیل: چاپ گلبرگ.
۱۸. صفری، بابا، (۱۳۷۰)، **اردبیل در گذرگاه تاریخ**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
۱۹. کبیر، یحیی، (۱۳۸۸)، **بنیاد عرفان برتر**، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
۲۰. کربلایی تبریزی، حافظ حسین، (۱۳۴۴)، **روضات الجنان و جنات الجنان**، تصحیح جعفر سلطان القرائی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۲۱. گلمغانی زاده اصل، ملکه و یوسفی، حسن، (۱۳۸۵)، **هنر نمایی شاه محمد اصفهانی در دیوارنگاره های بقعه شیخ امین الدین جبرائیل کلخوران در اردبیل خواستگاه دولت صفوی**، مجموعه مقالات نگارگری، گردهمایی مکتب اصفهان، فرهنگستان هنر، ۱۹.
۲۲. گلمغانی زاده اصل، ملکه و یوسفی، حسن، (۱۳۸۶)، **کتیبه های علیرضا عباسی در آرامگاه شاه اسماعیل اول و بقعه شیخ امین الدین جبرائیل در اردبیل**، مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی مکتب اصفهان، فرهنگستان هنر، صفحات ۱۷۶-۱۷۸.
۲۳. لطفی صمیمی، نادر، (۱۳۸۸)، **تجلی عرفان در معماری شیعی دوره صفوی و بازتاب آن در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی**، مجموعه مقالات نخستین هنرهای همایش شیعی از عهد صفوی تا به امروز، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل.
۲۴. لمبتن، ا. ک. س، (۱۳۸۲)، **زارع و مالک در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۵. محمدی، احمد، (۱۳۷۶)، **اصول و مبانی تصوف و عرفان**، تهران: زرین.

۲۶. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۲۷. منجم، ملا جلال الدین، (۱۳۶۴)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، به اهتمام سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
۲۸. موسوی اردبیلی نجفی، فخرالدین، (۱۳۴۷)، *تاریخ اردبیل و دانشمندان*، جلد اول، مطبقة الآداب فی النجف الاشرف.
۲۹. مولایی، عادل، (۱۳۸۸)، *عرفان و عارفان در دارالارشاد اردبیل*، مجموعه مقالات نخستین هنرهای همایش شیعی از عهد صفوی تا به امروز، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل.
۳۰. نصر، سید حسین، (۱۳۷۹)، *جوان مسلمان و دنیای متجدد*، مترجم: مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.